

پای توسعه در بخش کشاورزی می‌لنگد

از: بهروز فروتن

خرداد ماه گذشته به هنگام گشایش اولین نمایشگاه بین‌المللی صنایع کشاورزی و مواد غذایی رئیس جمهور پیامی فرستاد که در بخشی از آن چنین آمده بود: «آنچه امروز وظیفه ملی تلقی می‌شود، سوق دادن مردم کشورمان به زندگی محدودتر از لحاظ جمعیت و نیز همت در امر آموزش، تحقیق و توسعه در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن است. بر این اساس و با درک شرایط و حساسیت زمانی، در برنامه پنجساله دوم اهمیت خاصی برای تولیدات غذایی و صنایع تبدیلی آن قائل شده و همه امکانات موجود را در خدمت توسعه و ارتقاء کیفی آن به کار خواهیم گرفت.»

گرچه این فراز از پیام ریاست جمهوری مبین واقعیتی غیر قابل انکار است اما آنچه که در مورد صنایع کشاورزی، و به تبع آن صنایع تبدیلی به خصوص طی ۲ سال اخیر اتفاق افتاده با آنچه که توسط مسئولان و دست‌اندرکاران صنایع کشاورزی بیان شده تفاوتی دارد. به آماری که طی جدول ضمیمه همین مقاله ارائه شده توجه فرمائید:

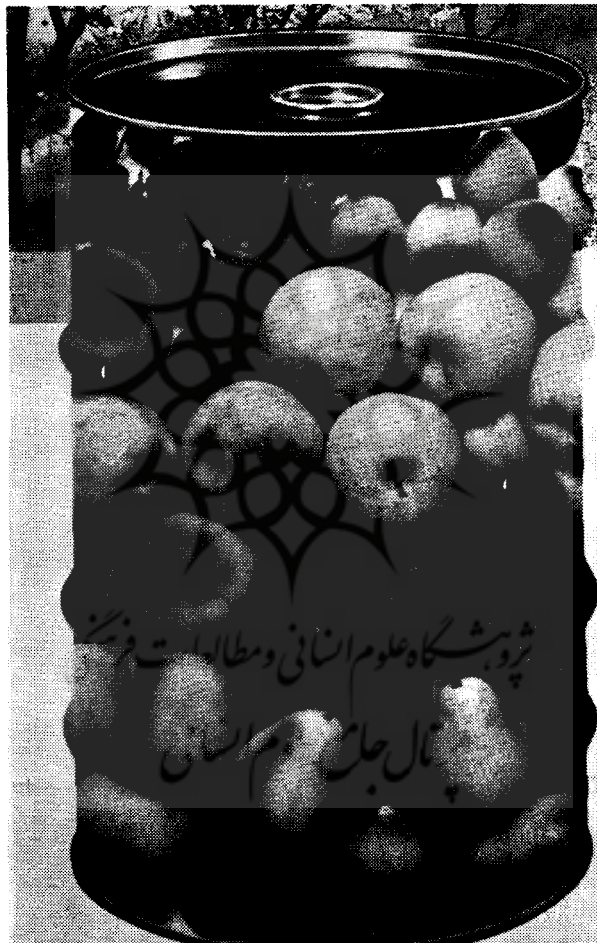
این آمار نشان می‌دهد که سهم کالاهای کشاورزی در صادرات غیرنفتی با ۲٪ کاهش روبرو است.

در سال گذشته صادرات محصولات کشاورزی به ۷۲۰ میلیون دلار رسید، از این رقم ۱۹٪ آن را محصولات غذایی اعم از خشکبار فرآورده‌های شیلات، میوه، زیره، زعفران، انواع کنسرو، کمپوت، رب گوجه فرنگی و سایر مواد غذایی تشکیل می‌داد.

در این میان سهم محصولات غذایی صنعتی (صنایع تبدیلی) در ارقام فوق تنها ۱۱٪ است یعنی چیزی در ۷۰ میلیون دلار، که رقمی بسیار ناچیز است. وزیر کشاورزی در سخنرانی خود در نمایشگاه بین‌المللی «اگر فوود» اظهار داشت: از ۲۱ میلیون تن تولید میوه‌جات

و سبزیجات در سال ۱۳۷۲ فقط حدود ۴/۵ میلیون تن یا معادل ۲۱٪ براساس مصرف سرانه به صورت تازه در داخل کشور جذب گردیده است. در همین سال میزان صادرات محصولات بخش کشاورزی نسبت به سال قبل رشدی معادل ۲۲٪ داشته است. اگر بر اساس محاسبات انجام شده یک سوم از ۲۱

را ندارم ولی آنچه که در یک نظر کلی آشکار می‌شود همان حکایت غمناک گذشته است که صنایع تبدیلی کشور علیرغم ظرفیت بالقوه خود همچنان لنگ می‌زند و این در شرایطی است که هنوز دو سوم از زمینهای زراعی ایران زیر کشت قرار نگرفته و ۸۰٪ محصولات کلیدی چون گندم، جو و برنج از همین



یک سوم زمینهای قابل کشت کشور تأمین شده و یک چهارم تولید ناخالص کشور از این بخش حاصل شده است. و باز در یک نگاه کلی چنین می‌توان نتیجه گرفت چنانچه از تمامی زمینهای قابل کشت استفاده شود، هم در تأمین محصولات کلیدی و هم در زمینه محصولات باغی و سبزیجات چه ظرفیتهای خیره‌کننده‌ای می‌تواند در انتظار کشاورزی ایران باشد.

میلیون تن تولید میوه‌جات و سبزیجات جزو ضایعات باشد که خود رقم بسیاری است، چنین می‌توان استنتاج کرد از مجموع ۹/۵ میلیون تن میوه و سبزی باقی‌مانده درآمدی که بابت صادرات عاید کشور شده از ۷۲۰ میلیون دلار تجاوز نکرده است. البته آمار رسمی حکایت از آن دارد که تنها ۳٪ محصولات کشاورزی صادر می‌شود. من قصد وارد شدن در جزئیات امر

یک خبر و یک نظر

خبر کوتاه زیر را از روزنامه همشهری مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۷۳ بخوانیم:

۸۰ هزار تن انواع میوه از مجموع ۴۰۰ هزار تن میوه تولیدی در شرکت تعاونی باغداران گرگان در سال جاری به دلیل نبودن بازار از بین رفت. سیدعلی اکبر حسینی مدیرعامل شرکت تعاونی باغداران گرگان گفت: محصولات ضایع شده شامل انواع هلو، آلو و گلابی بوده که به علت تأخیر در ارسال به بازار، مشکلات جابجایی و نبودن صنایع تبدیلی، فاسد شده است. در حال حاضر یک هزار تن میوه نیز به علت عدم توانایی مالی شرکت در صادرات در حال نابودی است.

به نظر نگارنده خبر فوق علیرغم کوتاهی، بسیار گویا است و پاسخ به این سؤال که چرا از اینهمه تولید در بخش کشاورزی درآمدهای ارزی بخش صنایع تبدیلی از ۷۰ میلیون دلار تجاوز نکرده است، در همین خبر کوتاه نهفته است:

مشکلات جابجایی، نبودن صنایع تبدیلی و عدم توانایی مالی شرکتها در امر صادرات. البته صنایع تبدیلی کشور مشکلات عدیده‌ی دیگری هم دارند اما ۳ مورد عنوان شده درخبر روزنامه همشهری از عمده‌ترین مشکلات این صنعت است.

سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون

دکتر کلاتری وزیر کشاورزی در سخنرانی نمایشگاه آگروفود گفت: طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۵۰۰ میلیون دلار در بخش صنایع تبدیلی سرمایه‌گذاری شده است و دولت علاوه بر ایجاد ظرفیتهای جدید در صنایع تبدیلی به نکات زیر توجه داشته است: حمایت مسالی دولت از طریق ارائه تسهیلات بانکی جهت اجرای پروژه‌های در دست اقدام، استفاده از اعتبارات فروشندگان و منابع خارجی برای

صادرات مواد کشاورزی، چرا کاهش؟

سرمایه گذاری، ایجاد آمادگی جهت جذب سرمایه گذاری به منظور تولید برای صدور، پیش بینی اعتبارات ارزی، ریالی جهت توسعه صنایع تبدیلی در برنامه دوم، توجه کافی به مهندسی و طراحی پروسه های تولید و تجهیز و ساخت صنایع تبدیلی، ایجاد تشکلهای و اتحادیه های لازم برای بازاریابی و صادرات.

چنانچه مشاهده می شود وزیر کشاورزی راه حل اغلب مشکلات این صنعت را بر شمرده است ولی پرسش اینجاست با این همه چشم اندازی که به صادرات محصولات غیر نفتی، و در رأس آن محصولات کشاورزی، دوخته شده آیا روند سرمایه گذاری در این بخش در مسیر مطلوبی پیش می رود؟ اگر چنین است علت کاهش ۲٪ از سهم کشاورزی در صادرات محصولات کشاورزی از کجا ناشی می شود؟ آیا اصولاً بخش خصوصی ایران که به گفته برخی از صاحب نظران اقتصادی ضعیفترین بخش خصوصی دنیاست توان با انفعال کردن اهداف صادرات محصولات غیر نفتی و با مال صادرات محصولات کشاورزی را دارد؟

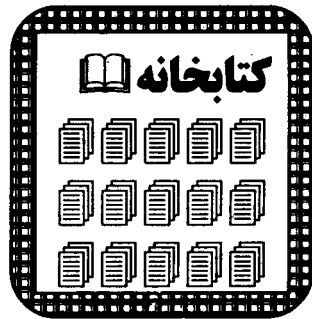
وقتی حاصل ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری طی ۵ سال صادرات ۷۰ میلیون دلاری سال ۱۳۷۲ را در پی داشته باشد آیا سرمایه گذاران بخش خصوصی حتی اگر توان سرمایه گذاری داشته باشند قادرند به اهداف تعیین شده در برنامه دوم ۵ ساله توسعه بیایند؟

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد رشد بخش کشاورزی از نظر تولید ظرف برنامه ۵ ساله اول توسعه، بیش از میزان پیش بینی شده بود اما سازماندهی دستگاههای اجرایی مرتبط با امر کشاورزی به خصوص در زمینه صادرات عملکرد مطلوبی نداشته است و در واقع آنچه از کشاورزی برای توسعه اقتصادی کشور انتظار می رفته است برآورده نشده است. در صورت عدم اصلاح ساختار اداری و اجرائی حتی اگر توان محدود بخش خصوصی قادر به فعالیت در امر صادرات باشد، دستیابی به اهداف تعیین شده در برنامه دوم توسعه که صادرات محصولات کشاورزی را ۵ میلیارد و ۶۲۳ میلیون دلار ظرف ۵ سال پیش بینی کرده، مشکل خواهد بود.

افزون بر این، برای تأمین غذای جمعیت ۱۰۰ میلیون نفری ایران ظرف ۲۰ سال آینده چنانچه ظرفیت های تولیدی کشور جوابگویی نیازها نباشد بیش از نیمی از سرمایه گذاریها و تلاشهای مربوط به رشد توسعه اجباراً باید در راه حفظ حداقل سطح زندگی موجود مصرف شود، منابعی که به طور منطقی باید صرف احداث تأسیسات زیربنائی و امور عمرانی شوند. بنابراین ضرورت تحول بنیادی در اقتصاد کشاورزی ایران و استفاده از ظرفیتهای بالقوه آن بیش از هر زمان دیگر احساس می شود و ما در برابر نسلهای آتی وظیفه سنگینی داریم: چه برای تأمین غذای آنها و چه برای ساختن کشوری آباد و مستقل و پیشرفته که جز با گسترش صادرات با بهره گیری از تکنولوژی پیشرفته و توسعه سیستماتیک کشاورزی در ارتباط با سایر بخشهای اقتصادی، محقق نخواهد شد.

سهم گروههای مختلف کالا در صادرات کشور طی سال ۱۳۷۱-۷۲

نام گروه	۱۳۷۲	۱۳۷۱
صنعتی	۲۶	۲۸
کشاورزی	۲۵	۲۷
فروش و صنایع دستی	۳۹	۴۰
معدنی	۱	۱/۵



داستانهای کوتاه خاور دور

نویسندگان: خوشنات سینک - زاوکی و دیگران
مترجمان: هوشنگ قدیمی - محمد نوری
ناشر: انتشارات نوید شیراز

چاپ اول: ۲۱۸ صفحه، بهاء ۱۹۵۰ ریال

این کتاب شامل ترجمه داستانهای کوتاهی از نویسندگان چند کشور خاور دور (هند، برمه، تایلند، چین، ژاپن، کره و فیلیپین) است که گرچه در ایران معروفیتی ندارند، اما در عرصه ادبیات کشورهای خویش صاحب نام و آواز ماند.

آثار این نویسندگان نه فقط معرف گوشه ای از فرهنگ و ادبیات کشورهای است که مردم ما آشنائی کمی با آنها دارند (البته به جز هند) بلکه باورها، عادات و رسوم غالب بر این جوامع را پیش روی خواننده ایرانی قرار می دهد. مترجمان در برگرداندن این داستانها با دشواری های زیادی دست به گریبان بوده اند که ناشی از تنوع حیثه فرهنگ ملت هایی است که نویسندگان داستانها به آن تعلق دارند.

داستانها موضوعاتی از مسائل روزمره زندگی مردم را گرفته تا اسطوره ها و فولکلورهای این ملتها را در بر دارد، از همین رو مترجمان نیازمند آن بوده اند که برای برگرداندن هر داستان به منابع و فرهنگهای مختلف رجوع کنند. در زیر فرازی از داستان «شمشیر شیوا» برای آشنائی با نثر برگزیده در

برگردان این داستانها آورده شده است: «بیا پسر، بیا بی جهت در زیر باران نیست و گرنه از سرما خواهی مرد. بیا تو، بیا در کلبه ای این پیرزن بیچاره بمان، اینجا بمان تا باران بند بیاید...»

خداوندان راههای مختلفی دارند. مگر اینطور نیست پسر؟ همین باران را بین و صدای قطره های آن را گوش بده که تمام مدت از آسمان فرو می ریزد. همین باران است که به جنبندگان حیات می بخشد و به زمین خشک مرده، زندگی اعطا می کند. همین باران است که دانه ها را به جوانه و جوانه ها را به گیاه تبدیل می کند. در حقیقت باران است که حیات ما به آن وابسته است و بدون آن همه خواهیم مرد. اما همین باران مرگ می آفریند...»

آسیب شناسی و بهسازی سازه های بتنی

نویسنده: دکتر محمود نادری
ناشر: شرکت ابزار خاک
چاپ اول: ۷۷ صفحه متن به اضافه هیجده صفحه ضمیمه شامل ۳۷ تصویر رنگی، بهاء ۵۰۰۰ ریال

این کتاب یک اثر فنی است که مهندسان و دست اندرکاران طراحی و ساخت ابنیه، پلهای، سدها و دیگر تأسیسات مشابه را مخاطب قرار داده است. نویسنده در مقدمه یاد آور شده است:

«کوشیدم تا به زبان ساده و بدون وارد شدن به جزئیات و ذکر فرمولهای مربوط به کشش و واکنش، فرمولهای ریاضی، فیزیکی و شیمیائی که مصداق مثنوی هفتاد صفحه کاغذ خواهد شد، اطلاعاتی را در اختیار علاقمندان قرار دهم. در حقیقت کتاب به مثابه راهنمود و مدرک مفیدی برای کلیه مدیران و دست اندرکاران صنعت بتن کشور است که خود برانگیزاننده مباحث جدید و مشوق نویسندگان و محققان بعدی در آفرینش آثار آتی به شمار خواهد رفت.»